دستگاه c c d و صدق هلال

شاگرد۳: الآن در محاسبات که بهصورت انیمیشن در میآورند از لحظه مقارنه که خارج میشود مثلا یک دهم درصد از نور ماه به زمین میرسد، بعد مقدار آن را برای هر ماه محاسبه میکنند. الآن این برای حلول ماه کفایت میکند یا نه؟

استاد: یعنی میگویند دو-سه درصد میآید؛ یکی چقدر از درصد قوس میآید، یکی درصد نور است. اینها هر کدام چند درصد دارند که با هم فرق میکنند. اگر کسی مطمئن شود که الآن نوری از قمر میآید که عرف عام آن را ببینند میگویند هلال است. حالا عرف عام در کجا ببینند؟ عدهای میگویند حتماً باید با چشم عادی ببینند. اگر به تلسکوپ قائل شدید، یا حتی دستگاه ccd که ثبت نور ماه میکرد، حتی اگر آن هم باشد باید در تصویری که برای شما ارسال میکند صدق هلال بکند. گاهی نمیکند. یعنی آدم شک دارد. قبلاً هم عرض کردهام. حالا یا این تصویرها برای ما واضح نیست و چشم ما ضعیف است، یا ... . مواردی شده که به شک افتادهام این آن باشد. اما مواردی هم هست که خیلی واضح است. شاید ماه قبلی بود. تصویری با تلسکوپ انداخته بودند؛ چون اصلاً دیده نشد، در ایران تنها با تلسکوپ دیدند. تصویری که از تلسکوپ انداخته بودند من تردیدی نداشتم هر عرفی به آن نگاه میکرد میگفت صدق هلال میکند. یعنی صدق هلال این قدر در آن روشن بود. الآن هم هست. بزرگوارانی که کانالهایی دارند و عکس هلال را میگذارند. شاید هلال ربیع الثانی بود. اگر نگاه کنید شبی بود که در کل ایران تنها با تلسکوپ دیدند، با چشم عادی ندیدند. در آن جا عکس تلسکوپی که شب قبل دیدند را گذاشتهاند. هیچ عرفی وقتی آن را ببیند نمیگوید هلال نیست. یعنی این قدر روشن و خوب بود.

شاگرد: به فرمایش شما حتی درجایی‌که شک میکنید، نمیتوانید یقینا بگویید فی علم الله نشده بلکه احراز نشده.

استاد: بله، ما ثبوت آن را از نظر بحث فقهی سر رساندهایم. و الّا اینکه اماراتش چیست و خصوصیاتش چیست، خیلی مهمتر میشود. از ادله شرعیه میتوانیم استظهار کنیم، تنها باید در فکرش باشیم. در فکر بودن خیلی مهم است... .

شاگرد۲: تا جایی که هلال یک امر واقعی است و رؤیت قید نیست... .

استاد: در همین جزوه سید، آورده بودند؛ حدیثی است که طبق آن عمل نشده، حضرت فرمودند:

> **عن داود الرقي عن أبي عبد الله ع قال: إذا طلب الهلال في المشرق فرآه في المغرب فهو هناك هلال جديد رئي أو لم يرى[1]**

هنوز از این حدیث بحث نکردهایم. اینطور که در حافظه ام هست از حدیثهایی است که بحث خوب و سنگینی دارد. نه از سندش و نه از دلالتش بحث نکردهایم. خب این روایت، عبارتی است. چطور باید آن را معنا کنیم؟ کلمات علماء هم در طول تاریخ برای توضیح این روایت، مختلف است.

مضمون قابل فکری است. از نظر ضوابط هم روشن است اما اینکه چطور سر برسد باید بحث کنیم.

---

[1] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ج4 333 72 باب الزيادات ..... ص : 309

بازبینی #1
ایجاد شده 29 آوریل 2026 12:12:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 آوریل 2026 12:14:32 توسط ... .